

## گزارش علمی شرکت در «نخستین همایش نحو زبانهای جهان»

محمد دبیرمقدم

دانشگاه علامه طباطبائی

«نخستین همایش نحو زبانهای جهان» (Syntax of World's Languages 1) در روزهای پنجم تا هشتم ماه اوت میلادی برابر با پانزدهم تا هجدهم مرداد ماه در شهر لایپزیگ آلمان برگزار شد. نهادهای برگزارکننده این همایش دانشگاه لایپزیگ و مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک بود. سه روز اول همایش در دانشگاه لایپزیگ برگزار شد و روز آخر در مؤسسه مکس پلانک. در این همایش سه سخنران به عنوان مدعو دعوت شده بودند و دیگر سخنرانان از طریق پذیرش مقاله شرکت کرده بودند. سخنرانان مدعو عبارت بودند از خانم دکتر میتون (Mithun) استاد سرشناس دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا، آقای دکتر آستین (Austin) استاد دانشکده مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن، و خانم دکتر پولینسکی (Polinsky) استاد دانشگاه کالیفرنیا در سانداگو. سخنرانیهای این سه زبان‌شناس به صورت عمومی برگزار شد و دیگر سخنرانیها همزمان در سه تالار ارائه گردید. در این تالارها مجموعاً پنجاه‌ونه مقاله قرائت شد. همه شصت‌ودو سخنرانی به زبان انگلیسی بود.

دانشگاه لایپزیگ، که یکی از دو نهاد برگزارکننده همایش بود، جایگاه ویژه‌ای در علم زبان‌شناسی دارد. این دانشگاه خاستگاه یکی از مکتبهای بسیار تأثیرگذار در زبان‌شناسی بوده است. در قرن نوزدهم میلادی پال (Paul)، بروگمن (Brugmann)، لسکین (Leskien)، استوف (Osthoff) مکتب نو دستوریان (= دستوریان جوان) (Neogrammarians) را در این دانشگاه پایه‌گذاری کردند. این زبان‌شناسان مطالعه تاریخی و تطبیقی را در کانون پژوهشهای زبان‌شناسی قرار دادند و با بازسازی صورتهای کهن زبانهای خانواده هند و اروپایی از «قوانین زبانی» (Linguistic laws)

به جای «قواعد زبانی» (Linguistic rules) سخن گفتند. همچنین در این دانشگاه سه تن از زبان‌شناسان ساخت‌گرا بخشی از مقطع تحصیلی خود را گذراندند. این سه تن عبارت‌اند از فردینان دو سوسور پایه‌گذار زبان‌شناسی نوین و زبان‌شناسی ساخت‌گرای اروپایی، نیکولای تروبتسکوی از چهره‌های اصلی مکتب زبان‌شناسی پراگ و از پایه‌گذاران واج‌شناسی، و لئونارد بلومفیلد از شخصیت‌های شاخص در ساخت‌گرایی امریکایی.

فضای علمی کلی همایش توصیفی بود و نتیجه‌گیریهایی نظری فقط براساس داده‌ها و شواهد فراوان از زبانه‌های مختلف ارائه می‌گردید. به بیانی دیگر، در این همایش مباحث و استدلال‌های نظری برپایه شواهد و داده‌های اندک مورد توجه برگزارکنندگان نبود. این فضا کاملاً قابل پیش‌بینی بود زیرا برگزارکنندگان به هنگام ارسال فراخوان تأکید و تصریح کرده بودند که از پذیرش مقاله‌هایی که صرفاً بر استدلال‌های نظری متکی است معذورند. از این رو، این همایش اساساً داده بنیاد بود و توصیف و تحلیل ویژگی‌های دهها زبان در اقصی نقاط جهان موضوع سخنرانی‌های همایش بود. در این گزارش مطالب سه مقاله ارائه شده در همایش تلخیص شده است.

عنوان مقاله خانم دکتر میتون، که اولین سخنران و از جمله سخنرانان مدعو بود، «همگانی نبودن عناصر حاشیه‌ای» (The Non-universality of Obliques) بود.

وی ابتدا به تنوع اصطلاحات مربوط به بحث اشاره کرد که مواردی از آن عبارت‌اند از:

موضوع	(argument)	در برابر	افزوده	(adjunct)
هسته‌ای	(nuclear)	در برابر	قمر	(satellite)
کانونی	(primary)	در برابر	حاشیه‌ای	(oblique/margin)
اولیه	(primary)	در برابر	ثانویه	(secondary)
مستقیم	(direct)	در برابر	غیرمستقیم	(oblique)

این اصطلاحات به گروه‌های اسمی موجود در جمله اشاره دارند و اینکه بعضی از آنها سازه اصلی و بعضی سازه فرعی‌اند. در فهرست فوق اصطلاحات مذکور در ستون سمت راست به سازه‌های اصلی اطلاق می‌شود و اصطلاحات مذکور در ستون سمت چپ، به سازه‌های غیراصلی. وی خود تعبیر گروه‌های اسمی کانونی (core) را برای اشاره به گروه‌هایی به کار می‌برد که جزء «قالب زیر مقوله‌ای» (subcategorizational frame) فعل‌اند و تعبیر گروه‌های اسمی «حاشیه‌ای» (oblique) را برای آنهایی که این چنین نیستند. وجه تمایز دیگر بین این دو این است که تعداد گروه‌های اسمی کانونی محدود است: می‌گوییم «فعل‌های دارای یک موضوع کانونی» (one core-argument verbs)،

«فعل‌های دارای دو موضوع کانونی» (two core-argument verbs)، و «فعل‌های دارای سه موضوع کانونی» (three core-argument verbs) اما تعداد «گروه‌های اسمی حاشیه‌ای» محدود نیست. او با مبنا قرار دادن این تقسیم‌بندی (گروه‌های اسمی کانونی در برابر گروه‌های اسمی حاشیه‌ای) و این وجوه تمایز پرسش اصلی مقاله را مطرح کرد: آیا گروه‌های اسمی حاشیه‌ای همگانی‌اند (یعنی در همه زبانه‌های جهان یافت می‌شوند)؟ وی پاسخ این پرسش را با بررسی شواهد و داده‌های زبان موهاک (Mohawk) که یکی از زبانه‌های خانواده ایروکوئی (Iroquoian) و از زبانه‌های بومیان امریکاست به دست داد و تصریح کرد که یافته‌ها خاص موهاک نیست بلکه زبانه‌های هم خانواده با آن نیز همین گونه‌اند. مشخصه در خور توجه در زبان موهاک این است که «موضوع‌های کانونی» (core arguments) به شکل پیشوندهای ضمیری (pronominal prefixes) به صورت اجباری در هر فعل ظاهر می‌شوند، خواه اسم (های) هم مرجع با آن پیشوند (های) ضمیری در جمله بیان شده باشد یا محذوف باشد. از این رو، با نگاه کردن به پیشوند (های) ضمیری موجود در فعل می‌توان تعداد موضوع‌های کانونی آن فعل را تعیین کرد. در شاهد اول ذیل ملاحظه می‌کنیم که فعل دارای یک پیشوند ضمیری است (یعنی فعل یک موضوع کانونی دارد) و در مثال دوم شاهد حضور دو پیشوند ضمیری هستیم (یعنی فعل دو موضوع کانونی دارد).

(۱)

**iétskote'**ie-itskw-ot-e'FEMININE.INDEFINITE.AGENT-seat-stand-STATIVEshe sits.

(۲)

**ionkhiiehiá:ron'**ionkhii-ehiaron-'3.PL/1.PL-raise-STATIVEthey raised us.

در شاهد سوم ابتدا فعل با پیشوندهای ضمیری آمده و پس از آن گروه اسمی مفعولی ظاهر شده است (یعنی هم مفعول به صورت پیشوند در فعل ظاهر شده و هم مستقلاً در جمله حضور دارد).

(۳)

wahiiaten'nikò:n:raren'	ne ri'kèn:'a.
wa-hii-aten-'nikonhr-a-ren-'	ne ri-'ken='a
FACT-1.SG/M.SG-MIDDLE-mind-JR-set.on-PRF	the 1SG/M.SG-be.older.sibling=DIM
I minded <u>him</u>	<u>the</u> <u>my younger brother</u>
I minded <u>my younger brother</u> .	

اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است: گویشوران زبان موهاک مفاهیمی را که در دیگر زبانها به صورت «گروههای اسمی حاشیه‌ای» ابراز می‌شود چگونه بیان می‌کنند؟ گروههای اسمی حاشیه‌ای شامل مفاهیم ذیل است که در زبان فارسی و انگلیسی به کمک پیش‌افزافه (preposition) بیان می‌شوند:

(۴)

'با (with)'	(الف) همراه بودن (Accompaniment)
'برای (for)'	(ب) بهره‌ور (Benefactive)
'با، به وسیله (with, by)'	(ج) وسیله (Instrument)
'از (from)'	(د) مبدأ (Source)
'تا، به (to)'	(ه) مقصد (Goal)
'در، بر روی (at, in, on)'	(و) مکان (Location)
'به (to)'	(ز) دریافت‌کننده (Recipient)

برای کوتاه کردن بحث، تنها نحوه تظاهر چند مورد از موارد (۴) (الف)-(ز) را در زبان موهاک نشان خواهیم داد. در شاهد (۵) ملاحظه می‌کنیم «دریافت‌کننده» به مثابه «موضوع کانونی» صورت‌بندی شده است (یعنی به شکل پیشوند ضمیری در فعل ظاهر شده است).

(۵)

*She might have given you good luck.*

Kati'	nón:wa'	aietshiiatera'swa:wi'.
kati'	n=ón:wa'	a-ietshii-ate-ra'sw-awi-'
just	the-maybe	OPTATIVE-F.SG/2.PL-MIDDLE-luck-give-STATIVE-PERFECTIVE
just	maybe	she might have luck given <u>you</u>

در دو شاهد (۶) و (۷) مشاهده می‌کنیم که «بهره‌ور» نیز به منزله موضوع کانونی پنداشته شده و از این رو یکی از پیشوندهای فعلی را به خود اختصاص داده است.

(۶)

*He sold it to his cousin.*

Ronara'sè:'a

ron-ar-a'se'=a

M.PL.AGT-RECIP-

be.cousin.to=DIM

they are cousins to each other

wahotenhni:non'se'.

wa-ho-atenhnon-'s-'

FACTUAL-M.SG/M.SG-sell-

BENEFACTIVE.APPLICATIVE-PRF

he sold him it

(۷)

*She opened the door for him.*

Wahonwanhotónkwahse'.

Wa-honwa-nho-ton-kw-a-hs-'

FACTUAL-F.SG/M.SG-door-cover-REVERSIVE-JR-BENEFACTIVE.

APPLICATIVE-PRF

she door uncovered for him

مثال شماره (۸) به دو دلیل در خور توجه است. نخست اینکه آنچه در دیگر زبانها گروه اسمی حاشیه‌ای است که به کمک حرف اضافه مفهوم «وسیله» را القا می‌کند در این زبان گروه اسمی کانونی است (بنگرید به *we use it* که معنای کل بخش فعلی است). دوم از آنجا که زبان می‌خواهد هم «سوپ» soup را به منزله موضوع کانونی بیان کند و هم اسم وسیله *with the same corn* را، به راهبردی جالب متوسل شده است و آن این است که یک جمله ساده زبان انگلیسی (و فارسی) را به صورت دو جمله جداگانه بیان می‌کند.

(۸)

*We make soup with the same kind of corn.*

Ne sha'kanénhsta

ne sha'-ka-nenhst-at

the COINCIDENT-NEUTER-corn-

be.one

the same corn

iakwátstha'

iakw-at-hst-ha'

1.EXCLUSIVE.PL.AGENT-MIDDLE-use-

HABITUAL

we use it

nó:nen eniakwatkatston'.

n=ó:nen en-iakwa-at-katston-'

the=now FUTURE-1.EXCLUSIVE.PL.AGENT-MIDDLE-make.soup-

PERFECTIVE

when we will make soup

گزارش علمی شرکت در «نخستین همایش نحو زبانهای جهان»

راهبرد دیگری که این زبان فراوان از آن استفاده می‌کند انضمام (incorporation) است. به بیانی دیگر، موهاک سازه‌هایی را که در دیگر زبانها «حاشیه‌ای» اند همچون «موضوعهای کانونی» به فعل منضم می‌کند. مثال (۹) شاهدهی است از انضمام «وسیله».

(۹)

*I will wrap you up with a blanket/in a blanket.*

tenkoniahsirawèn:'eke'

t-en-koni-ahsir-a-wen'ek-'

DUPLICATIVE-FUTURE-1.SG/2.SG-blanket-JOINER-wrap-PERFECTIVE

I will blanket wrap you

با توجه به شواهد و توضیحات فوق، اکنون پاسخ پرسشی که خانم دکتر میتون سخنرانی خود را با آن آغاز کرد روشن است. پرسش این بود: آیا گروه‌های اسمی حاشیه‌ای (obliques) همگانی‌اند (یعنی در همهٔ زبانهای جهان یافت می‌شوند)؟ پاسخ منفی است. زیرا آنچه در زبانهای اروپایی (و نیز زبان فارسی) به منزلهٔ سازه‌های حاشیه‌ای تلقی می‌شوند (بنگرید به موارد مذکور در شمارهٔ (۴)) در زبان موهاک موضوعهای کانونی و اصلی‌اند. از آنجا که نحویان و رده‌شناسان در صدد یافتن وجوه اشتراک و وجوه افتراق بین زبانها هستند، باید بدانیم آنچه در دیگر زبانها سازه‌های حاشیه‌ای پنداشته می‌شوند در زبان موهاک یافت نمی‌شوند.

یکی از سخنرانیهای دیگر همایش نحو زبانهای جهان سخنرانی مشترک دکتر کامری و دکتر گوئی راردلو-دامیان (Guirardello-Damian) بود. کامری از برجسته‌ترین زبان‌شناسان جهان است که در مؤسسهٔ مکس پلانک (آلمان) و دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا شاغل است و گوئی راردلو-دامیان در مؤسسهٔ مکس پلانک (هلند) و دانشگاه بریستول اشتغال دارد. عنوان سخنرانی آنها «ترومائی (از زبانهای برزیل) و نحو درونی شمارش اعداد» (Trumai and the Internal Syntax of Numeral Expressions) بود که در روز آخر همایش ارائه گردید. در این سخنرانی ابتدا رده‌بندی‌ای از نحوهٔ شمارش اعداد در زبانهای مختلف به دست داده شد و سپس وضعیت زبان ترومائی بررسی و توصیف شد.

گرینبرگ در مقالهٔ (۱۹۷۸) خود با عنوان «تعمیمهایی دربارهٔ نظامهای شمارش اعداد»<sup>۱</sup>

مشاهدات ذیل را در این موضوع مطرح کرده است:

1. Greenberg, J. (1978), Generalizations about numeral systems. In J. Greenberg et al., eds., *Universals of Human Language*, Vol.3: Word Structure, Stanford: Stanford University Press, 249-295.

۱۰/۱ اگر در زبانی در هر عددی رقم کوچکتر پیش از رقم بزرگتر بیان شود، آنگاه همین ترتیب در مورد اعداد بالاتر نیز رعایت می‌شود (گرینبرگ، ص ۲۷۳).

۱۰/۲ اگر در زبانی در هر عددی رقم بزرگتر پیش از رقم کوچکتر بیان شود، آنگاه همین ترتیب در مورد اعداد بالاتر نیز رعایت می‌شود (گرینبرگ، ص ۲۷۳).

۱۰/۳ ظاهراً اصلی شناختی در ترجیح دادن ترتیب رقم بزرگتر+رقم کوچکتر دخالت دارد. اگر عدد بزرگی مانند ۱۰۲۵۳ در ترتیب ۱۰۰۰۰؛ ۲۰۰؛ ۵۰؛ ۳ بیان شود آنگاه شنونده با شنیدن عنصر اول به تصویر کلی‌ای از آن عدد دست می‌یابد و عناصر بعدی تقریب بیشتری را از آن عدد فراهم می‌کنند. اما در ترتیب معکوس تا شنونده آخرین رقم را نشنود تصویر روشنی از آن عدد نخواهد داشت (گرینبرگ، ص ۲۷۴).

کامری و گوئی راردلو-دامیان پس از نقل تعمیمهای گرینبرگ رده‌بندی ذیل را از نحوه شمارش اعداد در زبانهای مختلف ارائه کردند:

(الف) زبانهایی که همواره رقم بزرگتر را پیش از رقم کوچکتر بیان می‌کنند. زبان چینی (ماندارین) چنین زبانی است. شواهد مذکور در (۱۱) مؤید این ادعاست. همچنانکه این شواهد نشان می‌دهند در این زبان عدد «یازده» به صورت «ده یک» و عدد «نوزده» به صورت «ده نه»، عدد «بیست و یک» به صورت «بیست یک»، و عدد «نود و نه» به صورت «نود نه» بیان می‌شود.

(۱۱)

Mandarin (Sino-Tibetan; China)

shì yī ··· shí jiǔ	10 1 ··· 10 9	11-19
nǐ-shí yī ··· jiǔ-shí jiǔ	2-10 1 ··· 9-10 9	21-99
yī-bǎi yī	1-100 1	101-

(ب) زبانهایی که همواره رقم کوچکتر را پیش از رقم بزرگتر بیان می‌کنند. زبان مالاکاسی نمونه چنین زبانی است. همان‌طور که مثالهای مذکور در (۱۲) نشان می‌دهند برای بیان عدد «یازده» باید گفت «یک ده» و برای بیان عدد «صد و یک» باید گفت «یک صد» و برای بیان عدد «دو هزار و دویست و سه» باید گفت «سه و دویست و دو هزار».

(۱۲)

Malagasy (Austronesian; Madagascar)

iraika ambin'ny folo ··· sivy ambin'ny folo	1+10 ··· 9+10	11-19
---	---------------	-------

iraika ambin'ny roa-polo ... sivy amby sivi-folo	1+2-10...9+9-10	21-99
iraika amby zato	1+100	101-

telo amby	roa-njato	sy	roa arivo
3	+	2-100	+ 2 1000
3+200+2000=2203			

نمونه دیگر چنین زبانی عربی قدیم است که مثالهای آن ذیل (۱۳) آمده است.

(۱۳)

Arabic (Classical, one variant) (Semitic, Afroasiatic; Middle East, North Africa)

'ahada 'aşara ... its'ata'aşara	1 10 ... 9 10	11-19
'ahad(un)wa-'išruun(a) ... tis'(un)	1 and-20 ... 9 and-90	21-99
wa-tis'uun(a)		
'ahad(un)wa-mi'a(tun)	1 and-100	101-
'ahad(un) wa-'išruun(a) wa-sib '(u)-mi'a(tin) wa-thalaathat(u) 'aalaaf(in)	1 and-20 and-7-100 and-3	1000
1+20+700+3000=3721 ۳۷۲۱		

(ج) زبانهایی که در آنها در بیان اعداد کوچک رقم کوچک پیش از رقم بزرگ گفته می شود اما در بیان اعداد بزرگ رقم بزرگ قبل از رقم کوچک می آید.

زبانهای انگلیسی، روسی، آلمانی، ایتالیایی، و پرتغالی نمونه های این رده اند. شواهد مربوط به سه زبان اول ذیل شماره های (۱۶) - (۱۴) نقل شده اند.

(۱۴)

English (Germanic, Indo-European; England, USA, etc.)

(eleven, twelve) thir-teen ... nine-teen	3-10...9-10	13-19
twenty-one ... ninety-nine	20-1...90-9	21-99
a/one hundred (an) one	1 100 (and) 1	101-
(Cut-off point is between 19 and 21.)		

(۱۵)

Russian (Slavic, Indo-European; Russia)

odin-na-dcat' ... devjat-na-dcat'	1-on-10 ... 9-on-10	11-19
-----------------------------------	---------------------	-------

dvadcat' odin ... devjanosto devjat'	20 1 ... 90 9	21-99
sto odin	100 1	101-

(Cut-off point is between 19 and 21.)

(۱۶)

German (Germanic, Indo-European; Germany, etc.)

(elf, zwölf) drei-zehn ... neun-zehn	3-10 ... 9-10	13-19
ein-und-zwanzig ... neun-und-neunzig	1-and-20 ... 9-and-90	21-99
(ein-)hundert-(und-)eins	(1)-100-(and)-1	101-

(Cut-off point is between 99 and 101.)

[[zwei-hundert-sechs-und-fünfzig-]tausend-drei-hundert-zehn]

[[2-100-6-and-50-]1000-3-100-10]=256,310

(د) زبانهایی که در آنها در بیان اعداد کوچک رقم کوچک قبل از رقم بزرگ گفته می‌شود، در بیان اعداد بزرگ رقم بزرگ قبل از رقم کوچک ذکر می‌شود، و در بیان اعداد بین این دو گستره هر دو شق محتمل است.

زبانهای لاتین وولش نمونه‌های چنین رده زبانی‌اند. شواهد مربوط به لاتین ذیل شماره (۱۷) نقل شده‌اند. همان‌طور که این شواهد نشان می‌دهند در این زبان برای بیان عدد «بیست و یک» هم می‌توان گفت «بیست یک» و هم می‌توان گفت «یک و بیست». اما برای بیان عدد «یازده» باید گفت «یک ده» و برای بیان «صد و یک» باید گفت «صد و یک».

(۱۷)

Latin (Italic, Indo-European; formerly Rome)

un-decim-septen-decim	1-10 ... 7-10	11-17
viginti unus ... nonaginta novem/	20 1 ... 90 9/	
unus et viginti ... novem et nonaginta	1 and 20 ... 9 and 90	21-99
centum et unus	100 and 1	101-

(Cut-off points are between 17 and 21, and between 99 and 101. Note that 18-19 are formed by subtraction from 20, though at least octo-decim 18 is attested)

سخنرانان آنگاه به بررسی و توصیف نظام شمارش اعداد در زبان ترومائی پرداختند و خاطر نشان کردند که گرینبرگ خود از رفتار ویژه این زبان آگاهی داشته است. آنها به نقل از گرینبرگ گفتند «... در این زبان عدد «سه» به صورت «دو و یک» بیان می‌شود اما عدد «شش» تا «نه» و

«بازده» تا «چهارده» به ترتیب عبارت‌اند از (یک و پنج) ... (چهار و پنج) و (یک و ده) ... (چهار و ده). بالاترین عدد «بیست» است» (گرینبرگ، ص ۲۷۳). این اعداد در شماره (۱۸) نقل شده‌اند.

(۱۸)

1	mihin		
2	hurš		
3	hurstame	2	1
6	mihin-po (k) péskun	1	5
7	hurš-apokpéskun	2	5
8	hurstam-apokpéskun	3	5
9	kumatak-apokpéskun	4	5
11	mihin-pitsa	1	10
12	hurš-apitsa	2	10
13	hurstam-apitsa	3	10
14	kumatakuanpitsa	4	10

کامری و گوئی راردلو-دامیان تصریح کردند که شواهد فوق از زبان ترومائی را گرینبرگ از اثر ۱۸۹۴ استاین نقل کرده است. آنچه شواهد فوق نشان می‌دهند رفتار استثنائی و متفاوت این زبان در شمارش اعداد است که با هیچ یک از رده‌های (الف)-(د)، منطق نیست. (مقایسه کنید نحوه بیان عدد «سه» را با اعداد «شش» تا «چهارده»). آنگاه سخنرانان به شرح شیوه بیان اعداد در ترومائی معاصر پرداختند و تأکید کردند که در بیان اعداد بزرگتر از «پنج» دو واژه kel و apa که هر دو هم به انگلستان دست و هم انگلستان پا اطلاق می‌شوند به کار برده می‌شوند. به عنوان نمونه، عدد «شش» را mihin apa wakpeškun تلفظ می‌کنند. همین عدد را به گونه دیگری نیز بیان می‌کنند که در انگشت یک

آن واژه kel به کار رفته است. هرگاه این واژه به کار برده شود حتماً واژه k'ad «دست» هم باید ذکر شود. بنابراین شیوه دوم برای بیان عدد «شش» k'ad kel wakpeškun است. ظرائف دیگری نیز در باره این زبان مورد بحث واقع شد و حتی گمانه‌زنیهایی در باره عدد استثنائی، یعنی «سه»، مطرح شد که در آن صورت این زبان دیگر استثناء نخواهد بود که ورود به آن از حوصله این مختصر خارج است. سخنرانی دیگری که شرح کوتاه آن در ذیل خواهد آمد مربوط به «زبانهای آمیخته مادری» (Creole Languages) بود. خانم دکتر میشلیز پژوهشگر مؤسسه مکس پلانک در باره «صورتبندی مفهوم «مسیر» در زبانهای آمیخته مادری» (Encoding Path in Creole Languages)

سخنرانی کرد. در زبان انگلیسی مفهوم «مسیر» به کمک پیش‌افزافه بیان می‌شود. مقایسه سه شاهد ذیل از این زبان نشان می‌دهد که مفهوم «در وضعیتی بودن» (essive) متفاوت از مفهوم «به سوی» (allative) و «از سوی» (ablative) صورتبندی می‌شود.

(۱۹)

English

- a. I am **in** the forest  
 b. I go **into** the forest  
 c. I come **from/out of** the forest

اکنون اگر شواهد فوق را با شواهد مذکور در (۲۰) از «زبان آمیخته مادری» سیچلز (Seychelles) که در منطقه اقیانوس هند به آن گفتگو می‌شود مقایسه کنیم درمی‌یابیم که در این زبان تمایزی بین مفهوم «به سوی» و «از سوی» وجود ندارد و هر دو مفهوم عیناً مانند مفهوم «در وضعیتی بودن» صورتبندی می‌شوند.

(۲۰)

Seychelles Creole

- |    |     |              |                |
|----|-----|--------------|----------------|
| a. | mon | <b>dan</b>   | bwa            |
|    | 1s  | in           | forest         |
| b. | mon | al           | <b>dan</b> bwa |
|    | 1s  | go           | in forest      |
| c. | mon | sorti        | <b>dan</b> bwa |
|    | 1s  | come.from in | forest         |

با این پیش‌درآمد پرسشهای تحقیق را از نظر می‌گذرانیم.

(۲۱) مفهوم «مسیر» (یا جهت حرکت) در زبانهای آمیخته مادری چگونه صورتبندی می‌شود؟

(۲۲) منشأ این ساختها (= صورتبندیها) کدام زبان است؟

وی با بررسی پانزده زبان آمیخته مادری در مناطق کارائیب، افریقا، اقیانوس هند، و اقیانوس آرام به پرسشهای تحقیق پاسخ گفت. او در بررسی خود نشان داد که زبانهای آمیخته مادری مورد مطالعه‌اش در دو گروه جای می‌گیرند: آنهایی که مفهوم «مسیر» را صورتبندی نکرده‌اند و آنهایی که برای بیان مفهوم «از سوی» نشانه خاصی را به کار می‌برند. اکنون شواهد و نمونه‌هایی از این دو گروه را بررسی می‌کنیم.

گزارش علمی شرکت در «نخستین همایش نحو زبانهای جهان»

(الف) زبانهای آمیخته‌ای که مفهوم «مسیر» را صورتبندی نکرده‌اند:  
یکی از این زبانها سیچلیز است که شواهدی از آن در شماره (۲۰) نقل شد. زبان دیگر از این گروه لوئیزیاناست در منطقه کارائیب که دو مثال از آن در شماره (۲۳) و (۲۴) ذکر شده است.

(۲۳)

• Louisiana Creole

ALLATIVE

*Epi to va la mes.*  
Then 2s go DEF service  
'Then you go to the service.'

(۲۴)

ABLATIVE

*Li devje la Frōs.*  
3s come.from DEF France  
'He comes from France.'

زبان دیگر آنگولار در افریقا است که داده‌های آن در شماره (۲۵) و (۲۶) نقل شده است.

(۲۵)

• Angolar

ALLATIVE

*ene ba Txindadji(...)*  
3p go Trinidad  
'They went to Trinidad.'

(۲۶)

ABLATIVE

*am fō mionga*  
1s come.back sea  
'I came back from the sea.'

(ب) زبانهای آمیخته‌ای که برای بیان مفهوم «از سوی» نشانه خاصی را به کار می‌برند:  
زبان تایو از زبانهای منطقه اقیانوس آرام چنین زبانی است. شواهد مربوط ذیل (۳۰)-(۲۷) آمده است.

(۲۷)

•Tayo

ALLATIVE

*epi la ra:tre da meso-la*  
Then 3s go.back in house-DEF  
'then she returned to the house.'

(۲۸)

(...) *pu ale Lil Wa*  
to go Ile Ouen  
'(...) to go to Ouen Island.'

(۲۹)

ABLATIVE

*tule per sola arive vja de Pueblo*  
PLUR priest PRED arrive come ABL Pueblo  
'the priests came leaving from Pouébo.'

(۳۰)

*nu vja de partu-la*  
1p come ABL all.over-there  
'we come from all over the place.'

زبان آمیخته دیگری که در این گروه جای دارد زبان کریول (Kriol) است که آن هم در منطقه اقیانوس آرام به آن گفتگو می‌شود. مثالهای (۳۱) و (۳۲) شواهدی از این زبان‌اند.

(۳۱)

•Kriol

ALLATIVE

*deibin go langa det kemp blanga Saiman en Endru*  
They. PAST go ALL DEF house POSS Simon and Andrew  
'they went to the house of Simon and Andrew.'

ABLATIVE

en        wen    Jisas   bin    gidap    brom   det    woda  
and        when   Jesus   PAST   come.out   ABL   DEF   water  
'and when Jesus came out of the water.'

گروه‌بندی (الف) و (ب) و شواهد مربوط پاسخ پرسش اول تحقیق (مذکور در (۲۱)) را روشن کرده‌اند: گروهی مفهوم «مسیر» را صورت‌بندی نکرده‌اند و گروهی دیگر صورت‌بندی کرده‌اند. حال زمان آن رسیده است که به پرسش دوم تحقیق (مذکور در (۲۲)) پاسخ دهیم. منشأ این ساختها/صورت‌بندیها کدام زبان است؟

سخنران با یادآوری این نکته که «لایهٔ زیرین» (superstrata) در زبانهای آمیختهٔ مورد بحث انگلیسی، فرانسوی، و پرتغالی است و اینکه همچنان که شواهد (۳۳) و (۳۴) نشان می‌دهند فرانسوی و انگلیسی مفهوم «به سوی» و «از سوی» را جداگانه صورت‌بندی می‌کنند نتیجه‌گیری کرد که بنابراین لایهٔ زیرین نمی‌تواند منشأ این ساختها/صورت‌بندیها در این زبانهای آمیخته باشد.

(۳۳)

*Je suis à Paris.*

*Je vais à Paris.*

*Je viens de Paris.*

(۳۴)

*I am at Paris.*

*I go to Paris.*

*I come from Paris.*

وی آنگاه «لایه‌های زیرین بالقوه» (potential substrates) مربوط به این زبانها را معرفی کرد و با ارائهٔ شواهد از این لایه‌ها استدلال کرد که هرگاه لایهٔ زیرین بین مفهوم «به سوی» و «از سوی» تمایز قائل شده زبان آمیختهٔ مربوط نیز این تمایز را صورت‌بندی کرده است و هرگاه لایهٔ زیرین بین این دو مفهوم تمایز قائل نشده زبان آمیختهٔ مربوط نیز این تمایز را صورت‌بندی نکرده است. موضوع سخنرانی اینجانب در همایش «نحو زبانهای جهان» الگوهای ساخت کُنائی (= آرگتیو) در زبانهای ایرانی ایران بود. امیدوارم بتوانم در آیندهٔ نزدیک شکل نهایی آن را منتشر کنم. در روزهای برگزاری همایش انتشارات کیمبریج و آکسفورد آثار جدید خود را در معرض دید شرکت‌کنندگان قرار داده بودند.